

ضرورت شکل‌گیری

افغانستان را نمی‌توان صرفاً از خلال تغییر حکومت‌ها و رقابت‌های سیاسی فهمید. در پس این تحولات، روند عمیق‌تر در جریان بوده است: عادی‌شدن خشونت و تضعیف ظرفیت جامعه برای نام‌گذاری و داوری اخلاقی آن. خشونت نه تنها تکرار شده، بلکه توجیه و به بخشی از نظم روزمره تبدیل گردیده است. در چنین بستری، بسیاری از تجربه‌های رنج مردم، به‌ویژه تجربه‌های زنان، دگرباشان جنسی و جنسیتی، اقلیت‌های مذهبی و بازماندگان جنگ، یا نامرئی شده‌اند یا به «سرنوشت» فردی فروکاسته شده‌اند. بحران افغانستان تنها بحران قانون و نهاد نیست؛ بلکه بحران زبان و چارچوب مفهومی نیز هست. جامعه ابزار تحلیلی کافی برای پیوند دادن اشکال مختلف خشونت، از جنگ و سرکوب سیاسی تا خشونت جنسیتی و حذف زبانی، در اختیار نداشته است. نتیجه، گسست حافظه‌ی جمعی و تداوم مصونیت ساختاری بوده است. پژوهش‌کده سیندخت در پاسخ به همین خلأ شکل گرفته است. سیندخت برای ساختن زبانی تحلیلی که بتواند خشونت را نه به‌عنوان رویدادی استثنایی، بلکه به‌مثابه پدیده‌ای تاریخی و ساختاری توضیح دهد، تلاش می‌کند. زبانی که امکان داوری اخلاقی، مسئولیت‌پذیری نهادی و دادخواهی پایدار را فراهم کند.

انتخاب نام «سیندخت» ارجاع آگاهانه به سنتی از خرد، میانجی‌گری و شجاعت اخلاقی زنان در دل بحران است. چهره‌ای در شاهنامه فردوسی، که با تدبیر و گفت‌وگو از خشونت می‌کاهد و راه تفاهم را می‌گشاید. شاهنامه یکی از مهمترین اثر حماسی است که توسط ابوالقاسم فردوسی، شاعر بزرگ و حماسه سرای زبان فارسی، سروده شده است. سیندخت الگوی از عاملیت زنان در رقم زدن تاریخ است. زنانی که با وجود انکار و حذف در روایت‌های مسلط، در فرایندهای قدرت، مقاومت، مذاکره و حل‌منازعه نقش تعیین‌کننده ایفا کرده‌اند. از منظر علمی، سیندخت همچنان نماد دانشی است که بی‌طرف و منفعل نیست، بلکه در نسبت با قدرت و مسئولیت اجتماعی تعریف می‌شود. سیندخت برای ما فقط یک ارجاع تاریخی نیست، بلکه افقی معرفتی برای پیوند دانش، عدالت و عاملیت اجتماعی است.

چارچوب فکری

سیندخت بر این پیش‌فرض استوار است که دانش هرگز خنثی و بی‌طرف نیست. تولید معرفت همواره در نسبت با قدرت شکل می‌گیرد. در زمینه‌های جنگ‌زده و نابرابر، روایت‌های رسمی می‌توانند به بازتولید خشونت معرفتی بینجامند؛ یعنی حذف، حاشیه‌راندن یا تحریف صدای گروه‌هایی که از حوزه‌ی دانش معتبر کنار گذاشته شده‌اند. از این‌رو، سیندخت خود را متعهد به تولید دانشی می‌داند که آگاهانه در برابر این خشونت می‌ایستد. همچنان، مستندسازی، در این چارچوب، صرفاً ثبت رنج نیست، بلکه بنیانی برای حق بر حقیقت، عدالت و جبران خسارت است. به باور ما، تولید دانش انتقادی بخشی از زیرساخت عدالت اجتماعی و عدالت انتقالی به شمار می‌رود و بدون آن، امکان پاسخ‌گویی پایدار و ترمیم جمعی فراهم نمی‌شود.

رویکرد تحلیلی سیندخت بر توجه به تجربه‌های زیستی گوناگون گروه‌های آسیب‌پذیر و شرایط اجتماعی و فرهنگی زندگی آن‌ها استوار است و فمینیسم را ابزاری برای فهم بهتر مسائل می‌داند. سیندخت می‌کوشد نشان دهد که چگونه جنسیت در کنار عواملی مانند قدرت، قومیت، زبان، طبقه اجتماعی، محل زندگی و تجربه جنگ بر سرنوشت و تجربه‌های افراد اثر می‌گذارد. در افغانستان، نابرابری جنسیتی را نمی‌توان جدا از اقتصاد سیاسی جنگ، نظامی‌سازی و ساختارهای پدرسالارانه فهمید. تجربه‌های زیسته‌ی زنان و دیگر گروه‌های حذف‌شده «پیشاسیاسی» تلقی نمی‌شوند، بلکه عرصه‌هایی زنده از قدرت، عاملیت و مقاومت‌اند. اشکال مقاومت روزمره، از آموزش مخفیانه تا شبکه‌های غیررسمی حمایت، بخشی از حافظه‌ی اجتماعی و منبعی معتبر برای تحلیل ساختارهای سلطه به شمار می‌آیند. تبدیل این تجربه‌ها به دانش مستند و قابل استناد، از مأموریت‌های اصلی سیندخت است تا میان زیست روزمره و تحلیل ساختاری پلی پایدار برقرار شود.

در تحلیل مناسبات جنسیتی، سیندخت مردان را دشمنان ذاتی نمی‌داند، بلکه آنان را سوژه‌هایی می‌فهمد که درون نظم‌های تاریخی و خشونت‌بار شکل گرفته‌اند. با این حال، تأکید بر ساختار هرگز به معنای نفی مسئولیت فردی نیست. برعکس، روشن‌کردن زمینه‌های اجتماعی و تاریخی خشونت، امکان پاسخ‌گویی اخلاقی و حقوقی را تقویت می‌کند و راه را برای بازاندیشی در باب مردانگی، مسئولیت و تغییر اجتماعی می‌گشاید.



سیندخت همچنین دین را نه ذاتاً سرکوبگر می‌داند و نه منبعی فراتاریخی و تغییرناپذیر از حقیقت. دین میدانی تاریخی و منازعه‌مند است که می‌تواند هم در خدمت کنترل و تبعیض قرار گیرد و هم به منبعی برای مقاومت اخلاقی بدل شود. ما به این باور هستیم که هیچ تفسیر دینی یا عرفی نمی‌تواند ناقض حقوق بنیادین انسان‌ها باشد. کرامت انسانی، برابری و آزادی از خشونت تعهداتی حقوقی و غیرقابل تعلیق‌اند و باید معیار سنجش هر نظم اجتماعی و تفسیری قرار گیرند.

از منظر سیندخت، تاریخ نیز روایتی خطی و خنثی نیست، بلکه میدانی از قدرت، حذف و بازنمایی است. تاریخ شفاهی، به‌ویژه روایت‌های زنان، دگرباشان و بازماندگان جنگ، برای بازسازی حافظه‌ی جمعی نقشی حیاتی دارد. این روایت‌ها تنها زمانی به تحقق عدالت یاری می‌رسانند که با تحلیل ساختاری پیوند بخورند. تحلیلی که بتواند تجربه‌ی فردی را در بستر نیروهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گسترده‌تر جای دهد. چون به باور ما در پیوند میان حافظه و ساختار است که امکان بازسازی حقیقت، تقویت عدالت و شکل‌دهی به آینده‌ای عادلانه‌تر فراهم می‌شود.

ماموریت و چشم انداز

پژوهش‌ده سیندخت نهادی مستقل که با هدف توسعه و نهادینه‌سازی زبان تحلیلی برای فهم و نام‌گذاری خشونت‌های تاریخی و ساختاری در افغانستان فعالیت می‌کند. مأموریت سیندخت تولید دانش پژوهشی، انتقادی و مستندسازی روش‌مند است. ما تجربه‌های زیسته‌ی گروه‌های به‌حاشیه‌رانده‌شده، از جمله زنان، دگرباشان جنسی و جنسیتی، اقلیت‌های مذهبی، بازماندگان جنگ و سایر اشکال تبعیض ساختاری را به چارچوب‌های قابل استناد در فرآیندهای دادخواهی، عدالت انتقالی و بازسازی حافظه‌ی جمعی، تحلیل و ارایه می‌کنیم. سیندخت مستندسازی را صرفاً ثبت وقایع نمی‌داند، بلکه آن را مداخله‌ای معرفتی، اخلاقی و حقوقی در برابر انکار، فراموشی و بازتولید مصونیت ساختاری تعریف می‌کند. این نهاد با اتکا بر روش‌شناسی علمی، استقلال نهادی و پاسخ‌گویی اخلاقی، می‌کوشد درک ریشه‌ها و ساختارهای خشونت و نیز دآوری مبتنی بر استدلال را در حوزه پژوهش و عرصه عمومی تقویت کند.

سیندخت در افق پانزده‌ساله خود در پی آن است که به مرجعی مستقل و معتبر در زمینه تولید دانش انتقادی پیرامون خشونت ساختاری، نابرابری‌های جنسیتی و روند تضعیف عدالت در افغانستان بدل شود؛ نهادی که با بازسازی زبان تحلیل، احیای حافظه‌ی جمعی و توسعه‌ی چارچوب‌های نظری بومی، ظرفیت دآوری اخلاقی و فهم ساختاری خشونت را در جامعه تقویت کند.

اهداف

- نهادینه‌سازی چارچوب‌های مفهومی برای تحلیل و دآوری اخلاقی خشونت‌های ساختاری
- تبدیل روایت‌ها و تجربه‌های زیسته به دانش مستند و قابل استفاده در سازوکارهای عدالت‌خواهانه
- تحلیل درهم‌تنیدگی جنسیت، هویت، زبان، دین، جنگ و قدرت در بستر تاریخی افغانستان
- تولید داده و تحلیل برای حمایت از فرآیندهای حقیقت‌یابی و عدالت اجتماعی
- تثبیت استقلال نهادی، شفافیت و نقدپذیری به‌عنوان بنیان مرجعیت علمی

اصول ارزش‌های بنیادین

- **عدالت معرفتی و مقابله با خشونت ساختاری:** سیندخت باور دارد که نادیده گرفتن نظام‌مند صداها، تقلیل رنج و نامرئی‌سازی تجربه‌های گروه‌های به حاشیه رانده‌شده، نوعی خشونت ساختاری است. ما تلاش می‌کنیم روایت‌ها را به صاحبان اصلی آن بازگردانده و خلاهای تاریخی در تولید دانش را در افغانستان ترمیم نماییم.

- **نفی بی‌طرفی ظاهری و موضع اخلاقی-حقوقی دانش:** دانش هیچ‌گاه بی‌طرف نیست و همیشه در چارچوب مناسبات قدرت شکل می‌گیرد. به همین دلیل، ما آگاهانه از موضع عدالت و احترام به کرامت انسانی دانش تولید می‌کنیم.

- **بازگرداندن داوری اخلاقی در تحلیل ساختاری:** ما باور داریم که وقتی داوری اخلاقی متوقف شود، زمینه برای عادی شدن شر فراهم می‌شود. ما تلاش می‌کنیم داوری اخلاقی را نه به صورت فردی یا احساسی، بلکه در متن تحلیل ساختارها و نهادها بازگردانیم.

- **اولویت تحلیل ساختاری و تقاطعی بر روایت‌های ساده‌شده:** سیندخت از تقلیل مسائل پیچیده به دوگانه‌های ساده‌ای چون قربانی و قهرمان یا سنت و مدرنیته پرهیز می‌کند. از نگاه ما، نابرابری حاصل تعامل و درهم‌تنیدگی ساختارهای گوناگون اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است.

- **تبدیل تجربه زیسته و مقاومت روزمره به دانش قابل اعتماد:** تجربه‌های زنان، دگرباشان جنسی و جنسیتی، اقلیت‌های مذهبی و بازماندگان جنگ برای ما اهمیت دارد. ما این تجربه‌ها را از روایت‌های پراکنده فراتر می‌بریم و به دانش مستند و قابل اعتماد تبدیل می‌کنیم.

- **مستندسازی به‌مثابه کنش حقوقی و اخلاقی:** سیندخت مستندسازی نقض حقوق بشر را صرفاً آرشیوی یا خنثی نمی‌داند. این مستندسازی، مداخله‌ای آگاهانه در مسیر حق بر حقیقت، حافظه جمعی، عدالت و جبران خسارت است.

- **اخلاق پژوهش، امنیت و جلوگیری از بازتولید آسیب:** تولید دانش بدون رعایت اخلاق پژوهش، مشروعیت ندارد. رضایت آگاهانه، محرمانگی، امنیت مشارکت‌کنندگان، مدیریت خطر و بهران و جلوگیری از بازتولید آسیب، اصول غیرقابل‌چشم‌پوشی فعالیت‌های پژوهشی و مستندسازی ما هستند.

- **استقلال نهادی:** سیندخت بر عدالت غیرگزینشی تأکید دارد. ما خود را سخنگوی گروه‌های به حاشیه رانده شده نمی‌دانیم و جایگزین عاملیت آن‌ها نمی‌شویم؛ بلکه بستری فراهم می‌کنیم که صدای آن‌ها شنیده شوند، امکان تولید دانش و دادخواهی فراهم گردد. استقلال نهادی، نقدپذیری و فاصله گرفتن از منطق خبریه‌ای و پروژه‌ای، شرط بقای اخلاقی و معرفتی ما است.

حوزه‌های فعالیت

• پژوهش انتقادی پیرامون خشونت‌های ساختاری، جنسیتی و جنگ

• مستندسازی قضایای نقض حقوق بشری با رویکرد تقاطعی

• تقویت و ثبت تاریخ شفاهی گروه‌های به‌حاشیه‌رانده‌شده

• تولید ادبیات تحلیلی در حوزه‌ی عدالت، قدرت و حافظه‌ی جمعی

• پشتیبانی معرفتی از سازوکارهای دادخواهی و عدالت انتقالی

با ما بپیوندید

برای دنبال کردن تازمترین پژوهش‌ها، تحلیل‌ها و فعالیت‌های سیندخت، به وب‌سایت و شبکه‌های اجتماعی ما مراجعه کنید. ما از شنیدن دیدگاه‌ها و پرسش‌های شما استقبال می‌کنیم.

info@sindukht.com | www.sindukht.com